

مهدی نصیری و شتاب منحصر به فردش



عبدالجواد موسوی
شاعر و روزنامه‌نگار

آن‌هایی که جریان مطبوعات را به صورت جدی در این چند دهه دنبال کرده‌اند، می‌دانند که من کارم را با مهدی نصیری شروع کرده‌ام. از سال ۷۱ و در روزنامه کیهان. بعدها هم در هفته‌نامه صبح و ماهنامه صبح. در سال ۷۶ هم هر کدام‌مان به سوبی دیگر رفتیم اما در تمام این سال‌ها رفاقت‌مان بر جای بوده. هنوز هم هست. این‌ها را گفتم تا بدانید رفاقت را بر هر چیزی مقدم می‌دانم. با توجه به شناختی که از او دارم، می‌دانم او نیز همین خلق و خور دارد. در همین سال‌هایی که از حیث سیاسی کاملاً دگرگون شده هنوز هم که یاد رفقای قدیمی‌اش می‌کند با ادب و احترام از آن‌ها یاد می‌کند و حق رفاقت را به‌جا می‌آورد. پس از درگذشت نادر طالب‌زاده اصلاً به این فکر نکرد که طرفداران سیاسی‌اش از او توقع ادب و احترام نسبت به آن مرحوم را ندارند و بی‌پروای واکنش آن‌ها، حق دوستی را به‌جا آورد. علاوه بر این‌ها به‌نظم سعه‌صدر او در مقابل مخالفت‌اش ستودنی است. برخلاف سال‌های جوانی‌اش دیگر از خود حق‌پنداری، خبری نیست. با متانت، رأی مخالفت‌اش را می‌شنود و گاهی حق را به آن‌ها می‌دهد. مهدی نصیری خلق و خوی خوب کم ندارد اما این یادداشت در ستایش محاسن اخلاقی او نیست. اتفاقاً قرار است در نقد او چیزی بگویم و برای این نقد لازم است اشاره کنم که او در کنار همه ویژگی‌های مثبتش یک ویژگی نه‌چندان قابل دفاع هم دارد و آن شتابزدگی است. یادم هست در همان روزگار نشریه صبح یک‌روز خطاب به من و اخوی گفت: شماها خیلی خوبید فقط مشکل‌تان این است که زود منبری شدید. کاملاً حق با او بود. حداقل در مورد خودم می‌توانم بگویم کاملاً حق با او بود. ما فرزندان طوفان انقلاب بودیم و به قول شاملو: طوفان کودکان ناهمگون می‌زاید. ما خیلی زود بزرگ شدیم. بی‌آنکه فرصتی برای درک کامل خیلی چیزها را داشته باشیم. در نوجوانی اسلحه به دست گرفتیم. جنگ که تمام شد خطیب و شاعر شدیم. به بیست نرسیده در شمار سرآمدان عدالتخواهی بودیم و می‌خواستیم ریشه بی‌عدالتی، سرمایه‌داری و روشن‌فکری را بخش‌کنیم. از بیست که گذشتیم دیگر برای خودمان شیخی بودیم. یادم هست یکبار آقای نصیری به‌جای سرمقاله خودش، نوشته‌ای را از من در ماهنامه صبح منتشر کرد و نوشت می‌خواستیم سرمقاله‌ام را درباره فلان موضوع بنویسیم اما دیدم این جوان بیست‌وپنج ساله خیلی بهتر از مدیران و مسئولان عالی‌رتبه این مملکت دردهای ما را می‌فهمد. خدا را شکر که آن غریب‌های صادقه‌اما اغلب خام و ساده‌لوحانه اندک‌اندک جایش را به تأمل و درنگ داد و روزبه‌روز از آن شتابزدگی کاسته شد. آقای نصیری اما با وجود یک‌دهه اختلاف سنی با من، شتابزدگی‌اش را حفظ کرد. چه آن وقتی که ضمدرنیته شد، چه وقتی که به این نتیجه رسید فلسفه و عرفان مشکل این سرزمین است. چه هنگامی که از جایگاه مدافع آتشین به جایگاه منتقد رادیکال نظام جمهوری اسلامی کوچ کرد. ماشاءالله چه انرژی‌ای هم داشت و دارد. وقتی رسید به تئوری عصر حیرت، یک‌تنه کار یک مجموعه را انجام داد. همیشه هم، شم ژورنالیستی‌اش را حفظ کرد. حتی در آن روزگاری که معتقد بود نباید خیلی به قواعد ژورنالیسم پایبند بود و توجه بیش از اندازه به ژورنالیسم یعنی نوعی غرب‌زدگی و تسلیم مشهورات زمانه شدن. این روزها هم که می‌بینید چه آتشی دارد می‌سوزاند. فوری، سریع و انقلابی می‌خواهد تکلیف همه‌چیز را مشخص کند. حوصله مباحث نظری را خیلی ندارد. مباحث نظری از نظر او باید زود به نتیجه برسند و گر نه حوصله‌اش را سر می‌برند. او این روزها غایتی جز براندازی ندارد. او که همین چند وقت پیش گفته بود نیازی به براندازی نیست چرا که این شکل از حکمرانی خودش منجر به این وضعیت می‌شود و اصلاً براندازی تحصیل حاصل است و حتی وقت هم برای پایان کار تعیین کرده بود، حالا می‌خواهد وعده‌ای را که داده زودتر تحقق بخشد. شاید هم می‌خواهد خودش مسبب ماجرا باشد به تاوان دفاع سفت و سختی که پیش‌تره می‌کرد. نمی‌دانم. این‌ها حدسیات من است و تحلیلی که من براساس شناختم از مهدی نصیری دارم. او هر پروژه‌ای را که در این سال‌ها کلید زده از عدالتخواهی تا دشمنی با فلسفه و عرفان و عصر حیرت، خیلی زود به نقطه جوش رسانده. یعنی در همه این موارد تا ته خط رفته. روزی هم که شروع کرد به انتقادهای بی‌پروا و صریح از حاکمیت، من و چند نفر از دوستانی که او را تا حدودی می‌شناختیم، حدس می‌زدیم کار به این جاها نکشد. فعلاً در نقد تئوری اتحاد «شاهزاده و تاج‌زاده» چیزی نمی‌گویم، جز اینکه این تئوری زاییده آن شتاب منحصر به‌فرد است.

نگار: jorg meyer

۱۶
۲۴ ساعت
24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline
https://t.me/hammihanonline
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دبلیوماسی و بین‌الملل) • علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • آرش خاموشی (عکس) • هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین) • مدیر هنری: مهدی قربانی‌تبار • جروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۵۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸ • لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



محکوم به حبس ابد نوشتن

لیلا نصیری‌ها مترجم کتاب «مون پلاس» نوشته پل استر
به بهانه درگذشت این نویسنده شهیر درباره او گفت



ندا زنگینه
خبرنگار فرهنگ

«سه‌گانه نیویورک»، «مون پالاس»، «دیوانگی در بروکلین»، «بخور و نمیر»، «خاطرات زمستان»، «شهر شیشه‌ای»، «موسیقی شانس»، «فصر ماه»، «شب پیشگویی» و «هیولا» تنها بخشی از کتاب‌های پل استر هستند که در ایران ترجمه و منتشر شده‌اند. پل استر، نویسنده نام‌آشنای آمریکایی سال ۱۹۴۷ در نیویورک به دنیا آمد. جایزه «پریکس مدیسس»، «پرنس استورم‌پاس» و «مورتون داون زیبل» بخشی از جوایزی است که این نویسنده در کارنامه کاری خود دارد. این نویسنده سرشناس سشنه ۱۱ اردیبهشت‌ماه در پی عوارض ناشی از سرطان ریه درگذشت. فوت او بهانه‌ای شد تا با لیلا نصیری‌ها، مترجم کتاب «مون پالاس»، نوشته پل استر گفت‌وگویی داشته باشیم.

مرز باریک واقعیت و خیال

ساختن یک دنیای واقعی در دل خیالی داستانی شاید از جمله ویژگی‌های شاخص داستان‌های استر باشد. این نویسنده آمریکایی با چنان مهارتی سلسله‌اتفاقات مختلف را کنار هم چیده و شخصیت‌های مختلف را سر راه هم قرار می‌داد که در نهایت همه این عناصر در خدمت داستان قرار می‌گرفتند. لیلا نصیری‌ها با اشاره به این ویژگی آثار استر می‌گوید: «استر در کتاب‌هایش از جمله «سه‌گانه نیویورک» فضایی می‌سازد که این فضا از نظر نزدیکی با واقعیت برای من جذابیت زیادی دارد. بخش عمده‌ای از همه قصه‌ها ریشه در واقعیت دارند اما کاری که استر می‌کرد این بود که این داستان‌های واقعی را اقتدر به مرز واقعیت نزدیک کرده بود که عملاً وقتی می‌خواندی، احساس می‌کردی که نویسنده خیالی‌بافی می‌کند. خود داستان‌های استر هم عموماً برگرفته از اتفاقات روزمره هستند؛ اتفاقاتی که اگر در حالت عادی در زندگی هر کسی رخ دهند، آدم شک می‌کند و می‌گوید که مگر می‌شود؟ چگونه ممکن است که چند اتفاق پشت سر هم رخ دهند و آدم‌های مختلفی ناگهان سر راه هم قرار بگیرند؟ استر وقتی سلسله‌اتفاقات را وارد داستان می‌کرد، تعجب می‌کردی که چگونه توالی اتفاقات پشت سر هم رخ می‌دهند اما از طرفی نویسنده به قدری خوب و جذاب داستان را روایت می‌کند که مخاطب دلزده نمی‌شود.»

«آن زمان وقتی داستان‌ها و رمان‌های استر را می‌خواندم جهانی که این نویسنده ساخته بود برای من بسیار جالب بود.» نصیری‌ها با اشاره به این جمله درباره مواجهه استر با شخصیت‌هایش در داستان توضیح می‌دهد: «یادم هست در یکی از همین رمان‌ها استر شخصیتی داشت که به زیرزمین می‌رفت و در آنجا کار می‌کرد اما از یک جایی به بعد استر داستان این شخصیت را می‌بندد، مامعولاً عادت داریم که در داستان‌هایمان تکلیف شخصیت‌ها روشن باشد.

مانند این مثال معروف آنتوان چخوف که می‌گوید: «اگر تپانچه‌ای روی دیوار است، باید در داستان از آن استفاده شود. اگر قرار نیست تیری از آن شلیک شود، نباید به دیوار آویخته شده باشد.» اما کاری که استر کرد این بود که شخصیت را همان پایین نگه داشت و شما دیگر هیچ کجا با این شخصیت در داستان مواجه نمی‌شدید. این مسئله از این نظر برای من جالب بود که تو می‌توانی نویسنده‌ای در این سطح بزرگ باشی و شخصیت‌ات در داستان گم شود.»

تعدد داستان‌ها و شخصیت‌ها

«مون پالاس»، یکی از کتاب‌های پل استر است که با ترجمه لیلا نصیری‌ها در نشر افق منتشر شده است. «مون پالاس» هم‌زمان با فرد

انسان بر کره ماه آغاز می‌شود و در زمان پس و پیش می‌رود تا سه نسل قرن بیستمی را به تصویر بکشد. در این کتاب شخصیتی به نام مارکو استنلی فاگ وجود دارد که کس‌وکاری ندارد و از جمله آدم‌های بی‌قراری است که مدام گذشته‌شان را زیر و رو می‌کند تا کلید معمای سرنوشت‌شان را به چنگ بیاورند. نصیری‌ها تعداد داستان‌ها و شخصیت‌ها، همچنین بسط دادن زندگی آن‌ها را از جمله ویژگی‌های شاخص آثار استر به‌ویژه در کتاب «مون پالاس» می‌داند و می‌گوید: «زمانی که خانم شهرزاد لولاجی و خجسته کیهان کتاب «سه‌گانه نیویورک» پل استر را ترجمه کردند، من به این نویسنده علاقه بسیاری پیدا کردم و تقریباً سال ۸۲ دوست داشتم که حتماً یک کاری از استر ترجمه کنم. همان سال نمایشگاه کتاب تهران برگزار شد و من به صورت اتفاقی به کتاب «مون پالاس» از این نویسنده برخورد کردم. فضای «مون پالاس» کمی با فضای دیگر آثار استر فرق دارد و شاید بتوان گفت که این داستان کمی فضای روشن‌فکرانه‌تری دارد. یکی از ویژگی‌های اصلی این کتاب این است که داستان‌های خیلی زیادی را روایت می‌کند. البته یکی دیگر از ویژگی‌های اصلی داستان‌های استر این است که برای شما داستان در داستان تعریف می‌کند. یعنی وقتی سراغ یک شخصیت می‌رود و آن شخصیت به نظرش جالب می‌رسد، او را راه نمی‌کند بلکه شروع می‌کند داستان زندگی او را تعریف کردن و بسط دادن. بنابراین این نویسنده چندین داستان را در دل یک رمان روایت می‌کند و این واقعاً کار سختی است. در کتاب «مون پالاس» نیز تعداد این شخصیت‌هایی که داستان زندگی‌شان بسط پیدا کرده، زیاد است. به همین دلیل برایم جالب بود.»

برخی از منتقدان ادبی پل استر را یکی از پایه‌های اصلی ادبیات معاصر جهان می‌دانند. زیرا پل استر به‌عنوان یکی از نویسندگان مطرح معاصر در سبک‌هایی مانند پست‌مدرن و رمان جانیی شناخته می‌شود. لیلا نصیری‌ها درباره تأثیر این نویسنده آمریکایی در ادبیات معاصر جهان اینگونه می‌گوید: «به نظر من، استر بیشتر روی ذائقه خوانندگان تأثیر گذاشت و به مخاطبان آموزش داد که چطور می‌توانند داستان بخوانند و لذت ببرند. او به مخاطبان آموخت که می‌توانند یک رمان با حجم داستان‌ها و شخصیت‌های مختلف داشته باشند که هر کدام داستان مختص به خودش را دارند. امروزه در سینما شاهد این هستیم که اسپین‌آف برخی از سریال‌ها ساخته می‌شود. به‌طور مثال سریال «پریکینگ بد» یکی از سریال‌های محبوب بود که بعدها یک اسپین‌آف از شخصیت وکیل این داستان ساخته شد. آثار استر هم به‌جرات این توانایی را دارند که شما بتوانید با شخصیت اصلی همراه شوید و در کنارش شخصیت‌های دیگر را نیز دنبال کنید و زندگی آن‌ها را تبدیل به یک رمان مستقل کنید. از این نظر فکر می‌کنم که استر ذهن مخاطبان را تربیت کرد. درباره این مسئله که پل استر چه تأثیری بر نویسندگان دیگر داشته است، نمی‌توانم بدون مطالعه صحبتی کنم. اما باید این نکته را در نظر داشته باشیم که ادبیات داستانی آمریکای شمالی فضای گسترده‌ای دارد و در آن جانویسندگانی هستند که هر کدام راه خودش را می‌روند. در آن جهان هر کسی کار خودش را انجام می‌دهد. فقط برخی بالاتر می‌آیند و شناخته می‌شوند و برخی گمنام باقی می‌مانند.»

نصیری‌ها با اشاره به این موضوع که خوشحال است استر در ایران شناخته شد، صحبت‌هایش را به پایان می‌رساند: «در دهه ۸۰ استر در ایران محبوبیت پیدا کرده بود و همان زمان هم خیلی از دوستان من در حال ترجمه آثار دیگر استر بودند. من بسیار خوشحالم که این نویسنده در ایران با اقبال مواجه شد. دهه ۸۰ دوره خوب صنعت نشر ما بود اما من هنوز هم متعقدم که ما کتابخوان زیاد داریم به‌همین دلیل کتاب‌های زیادی در ایران چاپ می‌شوند. ترجمه و انتشار کتاب‌های استر در ایران من را خیلی خوشحال می‌کند زیرا حیف می‌شد اگر ما با چنین نویسنده توانمندی در ایران آشنا نمی‌شدیم و آثارش مطالعه نمی‌کردیم.»

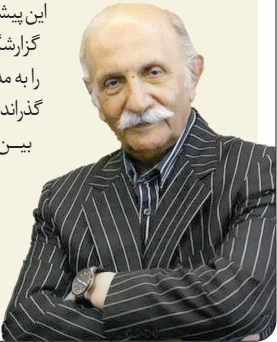


چهره

صدای دلنشین ورزش بود

شاید بتوان او را صدای مملی گزارشگری ورزشی دانست؛ صدایی دلنشین که فارغ از گزارش، بهانه‌ای برای لذت‌شنیدن بود. مسعود اسکویی، مجری و مفسر قدیمی ورزش رادیو و تلویزیون به‌دلیل شکستگی ناحیه پا و لگن در بیمارستان لاله عمل جراحی شد و مدتی در بخش مراقبت‌های ویژه تحت نظر پزشکان بود که در سن ۸۵ سالگی دار فانی را وداع گفت. او از سال ۱۳۴۵ به استخدام تلویزیون ملی ایران درآمد و سابقه حدوداً ۵۷ سال گزارشگری و فعالیت در رادیو و تلویزیون را داشت. او از جمله گزارشگران و مفسران ورزشی بود که در رشته‌های مختلف از جمله والیبال، سال‌ها سابقه فعالیت داشت.

این پیشکسوت ورزش و رادیو، دوره تخصصی گزارشگری را در B.B.C و دوره تهیه‌کنندگی را به مدت یک‌سال در تلویزیون T.D.F آلمان گذراند. اسکویی با گزارش بازی دوستانه فوتبال بین تیم‌های پرسپولیس و کویت در سال ۱۳۵۰ وارد کار گزارشگری ورزشی شد. او همچنین در سال ۱۳۷۱ در کلاس تخصصی گزارشگری فینگلی، مدرس استرالیایی، حضور یافت.



کتابخانه

قتلی که دامن همه را گرفت

کتاب «حصار موش» نوشته حسین قسامی در ۱۳۲ صفحه با قیمت ۱۲۰ هزار تومان، توسط نشر چشمه منتشر شد. حسین قسامی، نویسنده‌ای جوان است که تاکنون ۶ رمان از او منتشر شده است. داستان «حصار موش» در یک اردوگاه پناهجویان در یونان می‌گذرد؛ اردوگاهی که به‌دلیل ازدحام بیش از حد مهاجران، بدل به زندانی تنگ و مخوف شده است. پناهنده‌ها که اغلب سوری، ایرانی و افغانستانی هستند، در آرزوی امنیت و آینده‌ای که از آن‌ها سلب شده، به آن‌جا پناه آورده‌اند. اما در این سیاه‌چاله به چنان پلیدی و نکبتی دچار می‌شوند که یادآور خشم خدایان یونان است که بر سر مغضوبان آوار می‌شد. اسد، تراب و زبور، سه پناهنده‌ای هستند که در میان چادر مهاجران پرسه می‌زنند و با اخاذی و دزدی از بقیه روزگاران می‌گذرد. در یکی از این دزدی‌ها، اوضاع طبق برنامه پیش نمی‌رود و آن‌ها مرتکب قتل هولناک می‌شوند. این قتل، سر رشته‌ای اتفاقاتی می‌شود که دامن تمام اهل جزیره را می‌گیرد و سرنوشت‌شان را دستخوش تلاطم و ناخوشی می‌کند.



حصار موش
نویسنده:

حسین قسامی
انتشارات: نشر چشمه

تاریخ

عقد قرارداد فین کشتاین

فرانسه از اولین کشورهایی بود که شاهان قاجار برای ایجاد موازنه در برابر قدرت ژوفازون روس‌ها و انگلیس‌ها در ایران به آنها روی آوردند. در سال‌های اولیه قرن نوزدهم که فرانسه به‌رهبری ناپلئون در برابر اروپای پیر قد علم کرده بود، فتح‌علیشاه نیز گمان می‌کرد می‌تواند با عقد قرارداد با این کشور، روی حمایت‌های آن به‌خصوص در برابر روس‌ها حساب باز کند. به‌همین دلیل در ۱۳ اردیبهشت‌ماه ۱۸۱۶ (چهارم مه ۱۸۰۷) عهدنامه فین کشتاین توسط میرزا محمد رضا قزوینی سفیر ایران و نماینده فرانسه به امضا رسید. به موجب این قرارداد، فرانسه متعهد شد که با ارسال اسلحه و کارشناس نظامی برای بیرون راندن روس‌ها از گرجستان و قفقاز که پیش از آن متعلق به ایران بودند، به ایران کمک کند. در برابر، ایران نیز متعهد شد که روابط خود را با انگلیس قطع کند و در جنگ فرانسه با انگلیس و روس، متحد فرانسه باشد و در لشکرکشی احتمالی ناپلئون به هند، به فرانسویان یاری رساند. این معاهده اما چندی بعد با قرارداد تیلیست (۱۸۰۷) میان فرانسه و روسیه، نقش بر آب شد.

آئینه و آرایه راجعون

جناب آقای مهندس لطف الله میثمی

درگذشت برادر گرامی‌تان را تسلیت می‌گوییم
و برای جنابعالی آرزوی صبر داریم

غلامحسین کرباسچی، عباس عبدی، احمد زیدآبادی
محمد جواد روح، سمیه متقی